

خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با تکیه بر آثار شاعران معاصر

مهدیه آهنی*

دکتر بهروز رومیانی**

چکیده

شعر آیینی، بخش گسترده‌ای از شعر پارسی را تشکیل می‌دهد گرچه توجه به شعر مذهبی و آیینی، بخش عمده‌ای از تاریخچه شعر پارسی از سبک خراسانی تا شعر نو را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ با این حال شکل‌گیری گفتمان مخصوص آیینی به عهد صفویه و تمرکز بر گونه ادبی مذهبی سرایی برمی‌گردد.

در منطقه سیستان و بلوچستان که تعداد بی‌شماری از شیعیان را در خود جای داده است، شعر آیینی به شدت مورد استقبال قرار گرفته است. در این زمینه می‌توان به شعر این منطقه استناد کرد. آن چه شعر آیینی سیستان و بلوچستان را متمایز و درخشان می‌کند، توجه ویژه به زیبایی‌های ادبی است. استعاره‌های بدیع و زیبا می‌تواند به عنوان مهم‌ترین وجه تمایز شعر سیستان نسبت به سایر مناطق ایران بررسی شود؛ چرا که شکل‌گیری و رواج استعاره که بلیغ‌ترین زیبایی ادبی است؛ بیان‌گر کمال شعر است.

واژه‌های کلیدی

شعر آیینی، سیستان، تشیع، استعاره، شعر معاصر.

* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت. ایران.

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. (نویسنده مسوول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱

با نگاهی به تاریخ ادبیات مذهبی در ایران، این نکته به خوبی دریافت می‌شود که ادبیات به ویژه شعر مذهبی از روزگار دور در ارتباط با چگونگی حکومت‌ها بوده است. تا قبل از دوره صفویه، به طور کلی گرایش به شعر مذهبی و سرودن در موضوعات مذهبی بسیار کم بود و آن چه از آثار آن دوره در قالب شعر مذهبی باقی‌ست، بیشتر نعت پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و دیگر یاران پیامبر و در مواردی نیز یاد کرد قیام عاشورا است، و عمدتاً به موضوعات دیگر نپرداخته‌اند.

در دوره صفویه به جهت توجه خاص پادشاهان صفوی به مذهب تشیع، شعر مذهبی در ادبیات مورد توجه بیش‌تر واقع شد. شاعر برجسته مذهبی سرای پس از صفویه، محتشم کاشانی بود. روند مذهبی‌سرای هم‌چنان تا قبل از روی کار آمدن نادرشاه در ایران ادامه داشت.

با حضور نادرشاه در صحنه قدرت ایران و با توجه به سنی مذهب بودن وی، شعر مذهبی فارسی دیگر بار به انزوا گرایید؛ اما با روی کار آمدن حکومت زندیه، اقبال به سرودن شعر مذهبی از سر گرفته شد و کم‌کم از روزگار مشروطه به بعد پایگاه قدرتمندی نزد شاعران و علاقه‌مندان پیدا کرد و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به جریانی پویا و قوی در صحنه ادبیات مطرح شد.

عمان سامانی، از بزرگ‌ترین شاعران مذهبی دوره مشروطه بود، که شعر مذهبی فارسی را در قامتی استوار و با مضامینی ژرف و عمیق ارایه کرد.

البته فراز و نشیب‌های یاد شده در ساختار شعر مذهبی باعث ایجاد تحول محتوایی شعر آیینی فارسی نشد.

چرا که در دوره صفویه و پس از آن هیچ نهضت اصلاح‌گری شکل نگرفت تا به احیا و بازنگری باورهای مردمی بپردازد. در این عرصه متأسفانه کسی پیدا نشد که بسیاری از باورهای ره‌آورد سیاست عباسیان را به نقادی فراخواند.

خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با... ۱۳۳۱

بسیاری از ناروایی‌ها راه خود را در ذهن و زبان مردم ادامه داد و بازتاب این باورها را در متن شعر امروز نیز می‌توان به وضوح دید. تغییر نگرش شاعران در شعر مذهبی، از حالت شخصی به اجتماعی و گستردگی اندیشه، در شعر دوره مشروطه صورت گرفت.

شعر مذهبی به عنوان موضوع انتخاب شد و شاعران معتقد و مذهبی از آن به عنوان حربه‌ای در برابر شاعران به اصطلاح روشن فکر استفاده کردند. رویکرد دوباره به شعر آیینی ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع حاکمیت مذهبی بر مردم و طرح جامعه شیعی به عنوان بزرگ‌ترین تحول در جغرافیای اندیشه و سیاست اجتماعی، باعث ایجاد تحولاتی درخور در ادبیات ایران و طرح و اثبات ادبیات آیینی شد.

متأثر از تحولات یاد شده، تحولاتی در قلمرو شعر آیینی ایجاد شد، که مهم‌ترین آن تعمیق آگاهی در شعر آیینی معاصر است. پیش از آن پرداختن به هر مضمونی (چه والا و ارزشمدار، و چه نازل و بی‌مقدار) در گستره شعر مذهبی مسبوق به سابقه بود، نمونه‌های آن را در لا به لای کارنامه شعر مذهبی ایران می‌توان پیدا کرد. بسیاری از شاعران مذهبی سرا به جای کمک به بالا رفتن سطح درک مردم، به همراهی و هم‌نوایی با آنان می‌پرداختند. در واقع به جای این که مردم دنباله‌رو اندیشه و برداشت‌های شاعران در افق‌های معنایی تازه باشند، بعضی از شاعران، دنباله‌رو تفکر مردم بودند. اما این شیوه دیری نپایید که حال مضمون‌پردازی در شعر مذهبی، در قالب‌های محتوایی شایسته‌تر و ماندگارتری تغییر یافت.

نقش آگاهی از تحولات تاریخ و رسیدن به دانش و بینش دینی را کمتر کسی در ارزشمندی و ماندگاری یک اثر نادیده خواهد گرفت. اگر در گذشته شعر مذهبی پیرامون چند موضوع با ابهام فلسفی مضامین موجود در آن می‌چرخید، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل تأثیرپذیری از چند عامل، شاعرانی چون؛ علی معلم، سلمان هراتی، سیدحسن حسینی، قیصر امین‌پور و... به فلسفه و نگرشی صحیح در مضامین دینی دست پیدا کردند. مطالعات دقیق و عمیق آنان در قلمرو مفاهیم دینی به آنان کمک بسیاری کرد.

حضور شخصیت‌های مطرح انقلابی چون: شهید مرتضی مطهری، دکتر علی شریعتی و...

۱۲۴ خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با...

که در ارایه دانش و بینش مذهبی به جامعه، با سخنرانی و کتاب‌هایی ارزنده، در پیرایش تاریخی مسایل دینی قدم‌های ارزنده‌ای برداشتند، و توانستند تا حدودی از این طریق بدعت‌ها و ناروایی‌هایی را که بر تاریخ اسلام گذشته بود، بزدایند؛ عامل مؤثری در ایجاد فضای مناسب برای ظهور و پیدایش ادبیات انقلابی و مذهبی به شمار می‌آید.

بدین طریق تلاش‌های صورت گرفته، مورد توجه و بهره‌مندی شاعران آیینی معاصر قرار گرفت و کم‌کم جریانی اصلاح‌گرا و سالم، در حوزه شعر آیینی شکل گرفت؛ که از یک سو سعی در احیای شخصیت‌های تحریف شده دینی نمودند، و از سوی دیگر در ارایه بینش صحیح به جامعه و تغییر ساختار فکری در حیطه ادبیات فارسی، گام برداشتند.

نتیجه نگرش تاریخی صحیح به واژه‌ها و همراهی با اصالت و هویت‌مندی آن‌ها، در کنار پروراندن اندیشه در پس بهره‌مندی از هر عنصر مذهبی، شعر را از حالت روایی و تک‌زمانی بودن به عرصه ادب فرازمانی سوق داد و در آثار شاعران آیینی فرازمایی ژرف و ماندگار پدید آورد.

اهداف پژوهش

- بررسی شعر آیینی

- بررسی جایگاه فرهنگ و فرهنگ‌سازی در شعر آیینی و تأثیر این شعر بر پیش‌برد اهداف

فرهنگی جامعه

ضرورت پژوهش

از آن‌جا که نظام جمهوری اسلامی ایران بر پیروی از مذهب تشیع و الگو قرار دادن سیره ائمه اطهار استوار است، بررسی شیوه‌های ادبی شیعی و شناخت نگاه جامعه و تأثیر این اشعار بر تکامل رفتار و فرهنگ جامعه بایسته است.

شعر آیینی و ترویج فرهنگ انتظار

متون ادبی همواره بیانگر اعتقادات مذهبی ملت‌ها بوده است. در رابطه با ادب پارسی نیز می‌توان چنین باوری را ملاحظه کرد. بخش گسترده‌ای از اعتقادات مذهبی ایرانیان در این متون بیان شده است. در این راستا، شاهد توجه ادیبان و سخنوران به شخصیت‌های مذهبی برجسته هستیم. یکی از حضرات بزرگوار، حضرت صاحب الزمان (عج) می‌باشد:

از نو شکفت نرگس چشم انتظاری‌ام	گل کرد خار خار شب بی‌قراری‌ام
تا شد هزار پاره دل از یک نگاه تو	دیدم هزار چشم در آینه کاری‌ام
گر من به شوق دیدنت از خویش می‌روم	از خویش می‌روم که تو با خود بیاری‌ام
بود و نبود من همه از دست رفته است	باری مگر تو دست بر آری به یاری‌ام
کاری به کار غیر ندارم که عاقبت	مرهم نهاد نام تو بر زخم کاری‌ام
تا ساحل نگاه تو چون موج بی‌قرار	با رود رو به سوی تو دارم که جاری‌ام
با ناخنم به سنگ نوشتم بیا، بیا	زان پیشتر که پاک شود یادگاری‌ام

(امین پور، ۱۳۸۱: ۴۷)

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی	ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
دوباره پلک دلم می‌پرد نشانه چیست	شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
کسی که سبزتر از هزار بار بهار	کسی شگفت کسی آن چنان که می‌دانی

(امین پور، ۱۳۹۲: ۷۱)

مردم دیده به هر سو نگرانند هنوز	چشم در راه تو صاحب نظرانند هنوز
لاله‌ها، شعله‌کش از سینه داغند به دشت	در غمت، همدم آتش جگرانند هنوز
از سراپرده غیبت، خبری باز فرستت	که خیر یافتگان، بی‌خیرانند هنوز

(مشفق کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۳۹)

افول تصویر ادبی در شعر آیینی

مسأله عدم توجه شعرای آیینی به اصول زیباشناسی شعر، مسأله چندان دور از انتظاری نبوده است؛ چرا که همواره در پی انتقال ایدئولوژی به شعر و ادب، شاهد انحطاط توجه به مسایل زیباشناسی هستیم. این واقعیتی است که شعر ایدئولوژیک را از شعر و ادب در معنای حقیقی متمایز می‌کند: «اثر ادبی، بر اولویت‌های زیباشناسیک محض اصرار دارد اما نوشتار ایدئولوژیک به مبانی اعتقادی و ارزش‌های گروه اولویت می‌دهد و امور جمالی را برای بیان عقاید گروه اجتماعی به خدمت می‌گیرد. نتیجه چنین رویکردی آن است که متن با افول ارزش‌های ایدئولوژیک، تأثیر خود را از دست می‌دهد و پدیده‌ای زمان‌مند و تاریخی می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۷۳) در حقیقت شعر و ادب ایدئولوژیک در پی ایجاد اثر هنری - ادبی و خلق تصاویر ناب نیست؛ بلکه در گام نخست خواهان انتقال آراء و نظریات جنبش فکری خویش است. از این رو است که از توجه به آرایه‌ها و مقوله‌های هنری که در نهایت شعر را چندوجهی و نمادین می‌سازد، به گونه‌ای که بیم آن برود که معنایی دیگر از شعر مستفاد شود، پرهیز می‌کند: «ایدئولوژی مسلط از آن جا که موضع مشخص، اهداف و ارزش‌های روشن و «عقاید مسلم» دارد، زبانی روشن، تک معنا، قاطع و صریح می‌طلبد. به حدی که گاه وضوح و قطعیت در آن به قشریت هم می‌انجامد. بنا بر این آن دسته از صناعات بلاغی که سبب ابهام و چند وجهی شدن متن می‌شوند برای مقاصد ایدئولوژیک کارآمد نیستند. عموماً ایدئولوژی‌های حاکم از زبان مجازی که دلالت را چند وجهی می‌کند کمتر بهره می‌برند. مجازهای تشویش-آفرین و حیران‌کننده و چندمعنا مانند نماد، پارادوکس، تمثیل رمزی و آبرونی گاه به نوعی هرج و مرج معنایی می‌انجامد که ممکن است اساس توافق‌های گروه اجتماعی را سست کند. عناصری مانند استعاره، نماد، تمثیل‌های رمزی و پارادوکس و تهکم و طنز، متن را متشابه می‌کنند. متن متشابه از آن جا که معنایش متکثر است مورد توافق جمع نیست؛ حال آن که گروه ایدئولوژیک متن را به منزله اعلانیه یا مرام‌نامه می‌بیند که باید بر هم‌سویی و وفاق جمعی گروه تأکید کند، قاطع، واضح و تک معنا باشد و یک تبیین قاطعانه از جهان و همه امور آن آرایه

خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با... ۱۲۷

کند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۶۲) این در حالی است که یکی از مسایل اساسی پیرامون محیط اجتماعی و جغرافیایی شاعر، تبعیت وی از شرایطی است که در برهه خاص تاریخی - اجتماعی از سوی جامعه ادبی یا جامعه سیاسی به وی تحمیل می‌شود. از این رو است که شاعر گاه به سرایش اشعاری روی می‌آورد که با توجه به تمایلات فکری - هنری، دارای مشخصه‌های منحصر به فرد و مطابق با جریان خاص مورد نظر است. در شعر عهد صفویه که تمایلات ادبی حکومت هم‌سو با گرایش‌های مذهبی است و شاهد استیلاي شعر ایدئولوژیک هستیم، می‌توانیم به طور هم‌زمان شاهد افول جنبه‌های هنری و زیباشناسی شعر نیز باشیم. شاید عمده‌ترین دلیل چنین رویدادی، تبلیغی بودن و سفارشی بودن این گونه ادبی است: «شعری که برای تبلیغ و مدح سروده شود، مسلماً واقعیتی ندارد و هرگز متضمن تمایلات و عواطف و افکار وسیع بشری نیست. زیرا برای طبقه خاصی گفته می‌شود.» (شجیعی، بی‌تا: ۱۴) شعرا ساخته محیط اجتماع و نتایج و اسباب آن می‌باشند. زیرا محیط ادبی نمی‌تواند از محیط اجتماعی برکنار باشد. احساسات و عواطف شاعر که شعر ترجمان آن است مولود محیط اجتماعی و خانوادگی و حتی جغرافیایی شاعر می‌باشد.» (شجیعی، بی‌تا: ۳-۱۲) البته باید در نظر داشت که هیچ متن ادبی را نمی‌توان یافت که به طور کامل عاری از پیرایه تصاویر هنری و ادبی باشد؛ بلکه از سویی فردیت خلاق ادیب، مولد زیبایی ادبی است: «هرچند ایدئولوژی، تکنیک‌ها و سبک‌های ادبی را برای بیان مقاصد خود فراوان به کار می‌گیرد؛ اما فردیت خلاق هنرمند، پای از مرزهای بسته ایدئولوژی بیرون می‌گذارد و منجر به خلق متن‌هایی می‌شود که متن خلاقه ادبی را از متن عریان ایدئولوژیک متفاوت می‌کند. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۷۲) و از سویی دیگر هر نگرش ایدئولوژیک هنری - ادبی، گونه‌ای از ابزارهای هنری در جهت معرفی خود به خدمت می‌گیرد: «هر الگوی ایدئولوژیک، آرایه‌های بیانی و گونه‌های ادبی خاصی را به خدمت می‌گیرد که متناسب با محتوا و اهداف آن است. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۶۱)

جریان‌های شعر آیینی

هر مقوله شعری که صبغه دینی داشته باشد و متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد، در قلمرو شعر آیینی قرار می‌گیرد.

به طور کلی تنها مسأله‌ای که شعر آیینی را از سایر انواع شعر مجزا می‌کند، قلمرو موضوعی آن است. برخلاف بسیاری از صاحب‌نظران که شعر مذهبی را موضوعاً، به دو مقوله کلی منقبت و مرثیه محدود می‌دانند، آثار اخلاقی و عرفانی چون خمسه نظامی و سایر متون نظم عرفانی و تعلیمی، و نیز آثار غزل‌سرایان بزرگی چون حافظ، سرشار از رهنمودهای قرآنی و مفاهیم دینی و مقوله‌های ارزشی روایی بوده و بیان‌گر تأثیرپذیری فراوان آنان از متون دینی است.

در واقع اگر نگاه خود را صرفاً به دو قلمرو موضوعی منقبت و مرثیه شعر آیینی معطوف بداریم، ارایه طریق در مورد آثار منظوم توحیدی، نیایشی، عرفانی، اخلاقی و تعلیمی در گستره شعر فارسی نامشخص باقی خواهد ماند.

از منظر و گستره‌ای که می‌توان به حیطه شعر آیینی نگریست، اغلب آثار فاخر و ماندگار شعر فارسی، صبغه آیینی دارد و در قلمرو شعر آیینی قرار می‌گیرد.

بنا بر تعریفی که از شعر آیینی و گستره آن ارایه شد، ما با سه قلمرو موضوعی مشخص و قابل تعریف رو به رو هستیم و از این رو می‌توانیم تقسیم‌بندی موضوعی زیر را از شعر آیینی به دست آوریم:

شعر توحیدی، نیایشی و عرفانی

شعر توحیدی و نیایشی در ادب پارسی، سابقه‌ای طولانی و گنجینه‌ای قابل توجه و پر بار دارد؛ اما در شعر آیینی معاصر در ضمن ستایش شخصیت فرهیخته و متعالی مذهبی به آن اشاره می‌شود:

چلیپا در چلیپا خط قرآن علی مویست دو تیغ بیقرار ذوالفقار اعجاز ابردیت

(باقری، ۱۳۸۸: ۳۸)

خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با... ۱۲۹۰

گل روی علی گلزار دین است از این رو او امیرالمومنین است
اگر هستی همه گلوازه گردد هکله گلوازه‌ها را او نگین است
علی گنجینه علم خدایی است علی سر و علی علم‌الیقین است
(همان: ۹۵)

صبر کن باده پرستان برسند عاشقانت ز نیستان برسند
مرشدان پیش تو چون مکتیبان ابجدی خوان ز دبستان برسند
شاعران بی‌دل و دستار و نثار پیشوازت ز شبستان برسند
(باقری، ۱۳۹۰: ۴۵)

زیباترین غزل را آورده‌ام برایت گلوازه‌ها شکفتند در وصف چشم‌هایت
چون غنچه شقایق در پیشه‌های سرسبز احساس من تراوید در فصل دل‌ریایت
(میری، ۱۳۸۶: ۲۴)

شعر اخلاقی و پندی، اجتماعی، مقاومت، بیداری و دفاع مقدس

در گونه دوم، شاعر به رهایی انسان از اسارت دشمنان درونی، یعنی شیطان و نفس و هواهای نفسانی، و نیز رهایی انسان از بند دشمنان بیرونی، مانند قدرت‌های سلطه‌گر و خودکامه و استعماری می‌پردازد و با به کار بستن آن‌هاست که انسان به رهایی می‌رسد و از آن جا که دست او را می‌گیرد و از خاک به افلاک می‌کشانند، در مقوله ماورایی به شمار می‌آید.

مریم میری از شاعران جوان سیستان و بلوچستان است که در مدح و ستایش رزمندگان

دفاع مقدس سخنوری کرده است:

وقتی که راهی سفر نور می‌شدی از پیچ و تاب حادثه‌ها دور می‌شدی
پرزده‌نگاه مشرقی‌ات سمت عاشقی اسطوره حماسی پر شور می‌شدی
رضوان به پیشواز تو آمد غزل‌سرا از باده حضور چو مخمور می‌شدی
در عرش کبریایی حق بال و پر زدی با لحظه‌های شرجی شب جور می‌شدی

۱۳۰ خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با...

هم‌چون ستاره ستاره خانه گزیدی در آسمان دور از زمین سربی و رنجور می‌شدی

(میری، ۱۳۸۶: ۵۲)

حرمه

با بمب‌های فسفری

گلوی کودکان فلسطینی را نشانه می‌گیرد

عمر سعد

برای خاورمینه‌ای جدید

نقشه می‌کشد

خدا کند این تیرهای سه شعبه...

مدافعان حرم

پرچم را

درست بالای خیمه زینب

برافراشته‌اند

شعر طاقت کربلایی دیگر ندارد

این همه اسماعیل به قربانگاه

(محبوبه کلبعلی؛ نقل: باقری، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۷)

شعر ولایی

شعر ولایی به لحاظ موضوعی، اختصاص به خاندان عترت و طهارت دارد و سخنان، سیره

اخلاقی و فضای وجودی آنان در «شعر ولایی» بازتاب درخوری پیدا می‌کند.

برای شعر ولایی می‌توان زیرمجموعه‌هایی در نظر گرفت، که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

شعر نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی، شعر عاشورایی، شعر رضوی و شعر مهدوی.

با بررسی آثار بر جا مانده از موضوعات یاد شده، در خواهیم یافت که مقوله مرثیه در

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هجدهم ❖ شماره ۴۳ ❖ بهار ۱۳۹۹

خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با... ۱۳۱

تمامی زیرمجموعه‌های شعر ولایی به جز شعر مهدوی حضور دارد و مقوله منقبت در همه آن‌ها ساری و جاری می‌باشد (آیین‌وند، ۱۳۹۱: ۷۶).

با این نگرش تازه و تفاوت میدان دید، در می‌یابیم که مقوله‌های منقبت و مرثیه تنها در بخشی از «شعر ولایی» حضور دارد، و ابعاد موضوعی گسترده‌ای چون: بعثت، معراج، نزول قرآن، غزوات، غدیر، حکومت علوی، مبانی ارزشی فرهنگ عاشورا و... وجود دارد که می‌تواند فاقد جنبه‌های سوگواری، و مبتنی بر مؤلفه‌های ارزشی باشد.

بوی خدا گرفته‌ای ای سرخ مستطاب ای مرز دست‌های تو از سبز تا خضاب
ای حضرت شقایق دریا نشین زخم تو ای جرعه نوش آه غزالان بوتراب
(باقری، ۱۳۹۰: ۴۰)

ســــــــــــلام ای داغ شــــــــــــوریده
ســــــــــــلام ای بــــــــــــادهٔ عرــــــــــــشی
بــــــــــــه زخــــــــــــم فتنــــــــــــه بالیــــــــــــده
شــــــــــــراب اربــــــــــــعین دیــــــــــــده
(همان: ۵۹)

پروانه‌های باغ حسین را به قتلگاه
دیده است گرد شمع رخ آن یگانه، آب
دیده‌ست رقص آتش و فریاد یا عمو
در خیمه‌های آل علی غمگنانه آب
دیده‌ست غنچه‌های تب آلود تشنه را
زیر تگرگ فتنه‌گر تازیانه آب

(همان: ۷۶)

سیمرغ قاف عشقی و می‌دانی در اوج، از حقیقت یک پرواز
حتی در عمق چاه خبر داری، از قلب‌های ملتهب و پر راز
می‌ای از تجلی باورها با ذوالفقاری از جهت ایمان

ابعاد و ویژگی‌های شعر آیینی

موضوعات متنوع شعر فارسی، هر یک به فراخور مضمون قابل ارایه و نگرش خاص شاعران، از ابعاد و ویژگی‌هایی برخوردار می‌باشد؛ به عنوان نمونه «ساختار و فرم، فضا، محتوا و درون‌مایه»، در اشعار عاشقانه سبک خاص خود را داراست و در اشعار اجتماعی و سیاسی، حال و هوای یاد شده دیگرگونه است. از این رو در شعرهای آیینی نیز مؤلفه‌های مذکور متناسب با موضوع شعرهای آیینی است. (مهرآبادی، ۱۳۸۱: ۴۴)

فرم و ساختار (قالب) موضوعات آیینی در سروده‌های کهن، اغلب در چارچوب مثنوی، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند می‌باشد و به کمتر سروده‌ای برمی‌خوریم که در قالب غزل باشد. این در حالی است که در شعر معاصر، علاوه بر بهره‌مندی شاعران از قالب‌های نو «نیمایی، سپید و...» قالب غزل نیز مفاهیم شعر آیینی فارسی را احتوا کرده است. رباعی، مثنوی و غزل - مثنوی نیز از دیگر قالب‌هایی است که شاعران معاصر در سروده‌های آیینی خود از آن استفاده می‌کنند.

عمده‌ترین عامل در بهره‌مندی از قالب‌های یاد شده، و به نوعی تنوع قالب در شعر آیینی معاصر، فراهم شدن بستری درخور در جهت به کارگیری موضوعات و گاه مفاهیم متنوع در گستره شعر آیینی است (آیین‌وند، ۱۳۹۵: ۲۵).

فضای موجود در مضامین و محتوای شعر آیینی نیز از آغاز تا دوره معاصر، سیر بالنده‌ای را طی کرد و این رشد در روزگار ما در حال تکوین می‌باشد. با بررسی شواهد موجود در آثار آیینی فارسی، دو صورت متفاوت در فضا و نگرش شاعران به چگونگی مبحث منقبت و مرثیه ائمه اطهار (ع) را شاهدیم:

نوع اول

پرداختن به منقبت و مدح و گاه مرثیه ائمه اطهار (ع) و پیشوایان دین، با نفوذ خاص دریافت‌های شخصی شاعر است. در این آثار، زمانی که از منظور مدح و منقبت به سیره پیشوایان دین پرداخته می‌شود، با اندیشه‌ای نه چندان بارور و درخور مقام و مرتبه این بزرگان سخن به میان می‌آید، مگر در مواردی که آثار تعداد محدودی از شاعران با فرازهایی همراه است؛ مانند نعمت پیامبر اکرم (ص) در خمسه نظامی و یا سروده‌های مولانا در مثنوی کبیر و... آن گاه که شاعر با نگاه مرثیه و سوگ به شهادت و رحلت ائمه اطهار (ع) پرداخته است؛ می‌بینیم که تنها سوگ است و حزن و اندوه، که از سیری یک‌نواخت و گاه ملال‌آور برخوردار است و شاعر در این مرثی نتوانسته بشکوهی و ارزشمندی حرکت، قیام و شهادت بزرگان دین را به نمایش بگذارد (مهرآبادی، ۱۳۸۱: ۵۹).

کاربرد کلمات و گاه صفاتی که در چگونگی توصیف رزم و شهادت آنان مشهود است، بیش از هرچه بیان‌گر مظلومیت صرف و پامال شدن حقی است که غالباً توسط حاکمان عصر اعمال می‌شده است. با این همه در این فضا و محتوا نیز آثاری چون گنجینه الاسرار عمان سامانی را نمی‌توان نادیده انگاشت. آن جا که سراسر این اثر گران‌سنگ یادکرد قیام عاشورا و پاسداشت حماسه‌آفرینان آن می‌باشد؛ اما وجه غالب همانی است که اشاره شد.

هم منتظر و طالب مهدی هستی	هم باور و هم نایب مهدی هستی
عمری اگر از تو دم زدیم آفاجان	چون راه رسیدن به مهدی هستی
عاقبت با لطف حق دوران مهدی می‌رسد	بلبل خوش نغمه از بستان مهدی می‌رسد
می‌دهد این دل گواهی پیر ما سیدعلی	پرچم از دست تو بر بستان مهدی می‌رسد

(شفیعی، ۱۳۸۷: ۹۳)

نوع دوم

شعر آیینی در دوره معاصر، علاوه بر بهره‌مندی از متعلقات گسترده و متنوعی مانند؛

۱۳۴ خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با...

شهادت، دفاع مقدس، فرهنگ عاشورا و... در سروده‌هایی که به نوعی در منقبت و مرثیه ائمه اطهار و دیگر بزرگان مذهب بر جای مانده است، شاعر به شکوه و حماسه‌آفرینی آنان و هدفمند بودن شهادت‌طلبی و آرمان‌های آنان اشارات خاصی داشته و بیش‌تر به این ابعاد پرداخته است تا سوگ صرف و مرثیه اندوه‌بار.

بسامد استعاره در شعر آیینی سیستان و بلوچستان

از مسایل مهم در مورد شعر سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر مناطق ایران، کاربرد فراوان استعاره است که نشان می‌دهد شعر آیینی در این منطقه به بلوغ ادبی رسیده است و از مرحله ایدئولوژی محوری به سطح عالی و ادبی رسیده است.

چه می‌خوانند این سان آتشین بر نیزه‌ها سرها

چه آهنگی است این؟ خون می‌چکد در رقص خنجرها

یقینی سرخ در تاریکی تردید جاری شد

دوباره لاله‌گون شد لاله‌گون شد باورها

تمام آسمان آینه شد آینه معراج

دوباره شعله‌ور شد بال پروتز کبوترها

ملائک باز از تشییع گل‌ها باز می‌گردند

چه خونین است در هفت آسمان، آواز شه‌پرها

سواری می‌رسد پیچیده در شولایی از طوفان

که در هم پیچد از فریاد او طومار لشکرها

(معصومه سراجی؛ نقل: باقری، ۱۳۹۴: ۳۸)

گر مرغ روح‌عاشق سنگر نمی‌شد یا زخم‌های خونینات خنجر نمی‌شد

گر سست می‌شد پای تو در پایمردی دیوارهای روبه روییت در نمی‌شد

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هجدهم ❖ شماره ۴۳ ❖ بهار ۱۳۹۹

خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با... ۱۳۵۱

گر می شکستی چون گلی آهسته در خویش یا غنچه‌های آرزو پرپر نمی‌شد
گر بی‌مهابا خود نمی‌رفتی در آتش در جای پایت چشمه کوثر نمی‌شد
(علی اکبری؛ نقل: همان: ۴۳)

از مقوله‌های خیزش استعاره در شعر سیستان، اشعار دفاع مقدس استودر این دوره نیز همانند دوره قبل، ستایش و مدح در اشعار دفاع مقدس قابل مشاهده می‌باشد. انگاره تکریمی در این دوره با همان ویژگی‌های ذکر شده در دوره اول، در آثار یافت می‌شود و مانند همان دوره، هدف از سرایش بر خلاف سنت مدیحه‌سرایی، کسب منافع شخصی نیست؛ بلکه ابراز ارادت و علاقه به شخصیت‌های فردی و نوعی مرتبط با دفاع مقدس می‌باشد. زیرا نگاره‌هایی که این انگاره را تقویت می‌کنند، به ترتیب بسامد عبارتند از:

الف. تکریم رزمندگان، شهدا و مردم ایران

همان‌طور که پیش از این آمد، تکریم در شعر این دوره برخلاف سنت مدیحه‌سرایی، کسب منافع شخصی و حول یک فرد خاص نمی‌باشد؛ بلکه محوریت مضمون بر ستایش و ارادت به گروهی خاص است که ویژگی‌هایی همچون ایستادگی، صبر، شهادت‌طلبی و... را دارا می‌باشند.

ای زنده شهیدی که به معراج عبادت هر روز وضو می‌کنی از زمزم اسلام
(مردانی، ۱۳۷۰ الف: ۴۰)

عظرتان در مشام جان من است باز هم روی شانه‌های من آید
(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۵۳)

به استواری معیار تازه بخشیدید شما نه مثل دماوند، او به شماسست
(محمودی، ۱۳۶۹: ۱۱۰)

ب. تکریم مقام عرفانی، سیاسی و دینی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

هر غنچه اندیشه که در جان تو بشکفت مدهوش شد از بوی خوشش عالم اسلام
(مردانی، ۱۳۷۰ الف: ۴۰)

۱۳۶ خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با...

با بررسی اشعار مقدس در این دوره (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷)، متوجه می‌شویم که جریان ستایشی از ابتدا تا انتهای جنگ وجود داشته است و تنها تفاوت آن سیر حرکت این انگاره از سنت‌گرایی به نوگرایی در محتوا و صورت است و در موارد دیگر دگرگونی عمده‌ای مشاهده نمی‌شود.

انگاره توصیفی

شعر توصیفی در این دوره نیز همانند دوره پیشین، در آثار سروده‌شده قابل مشاهده می‌باشد؛ البته با این تفاوت که شاعران در این دوره به توصیف حسی و ذهنی از فضای تاریخی، سیاسی و اجتماعی در اثنای جنگ می‌پردازند و دارای آثاری از هر دو حوزه فرامتن محور و بافت محور می‌باشند. از جمله شاعران برجسته این شیوه، احد ده‌بزرگی می‌باشد: فرو چکید عقیق از گلوی سرخ فلق (ده‌بزرگی، ۱۳۶۷: ۱۰۱)

با بررسی اشعار این دوره مشخص شد توصیف در اشعار، به دو صورت توصیف پدیده محور جنگ و توصیف پیامد محور می‌باشد. فضای آثار پدیده محور شاد بوده که توصیف پیروزی‌های به دست آمده از جنگ می‌باشد و برعکس، فضای آثار پیامد محور تیره و غمگین می‌باشد.

با ذکر هوالله واحد بت شکن قرن بر تارک بت ساز بت فتنه تبر زد

(ده‌بزرگی، ۱۳۶۷: ۵۵)

نویای فتح عراق است بر لب عشاق بخوان به شور حسینی، هر آنچه بادا باد

(ده‌بزرگی، ۱۳۶۷: ۱۰۲)

زیرانگاره‌هایی که برای تقویت این انگاره در اشعار این دوره دارای بسامد می‌باشند،

عبارتند از:

الف) توصیف تصویری از ایستادگی مردم در برابر هجوم و تأثیر آن در شکست مهاجمان؛

ب) شخصیت پردازی کودک به عنوان نماد نسل آینده، پایداری و آرمان‌های انقلاب و

تداوم ایستادگی در مقابل دشمن؛

□ فصلنامه زیبایی شناسی ادبی ❖ سال هجدهم ❖ شماره ۴۳ ❖ بهار ۱۳۹۹

خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با... ۱۳۷۱

پ) شخصیت‌پردازی کودک در به‌چالش‌کشیدن موضع‌گیری فطرت پاک انسانی در برابر واقعیت جنگ.

- و او همیشه از کشتن هیچ سربازی / خوش‌حال نمی‌شود (عبدالملکیان، ۱۳۸۴: ۶۱)
طوفان از تبر / ناگه به جان جنگل افتاد / و هرچه را که کاشته بودیم / طوفانی به باد داد /
در گرگ‌ومیش آتش و خاکستر / جنگل ولی هنوز / نفس می‌کشید (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۲۵)
در ذهن کوچکش / نقش‌های مدور قالی / مین‌های دشمن است / همیشه، پا را به احتیاط
بر زمین می‌گذارد (عبدالملکیان، ۱۳۸۴: ۶۱)
با بررسی اشعار دوره دوم دفاع مقدس (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷)، سیر نزولی این انگاره (توصیفی)
و کاهش جامعه آماری آن قابل مشاهده است.

نتیجه

شعر آیینی سیستان و بلوچستان نشان می‌دهد که گرایش به تصویر، به ویژه استعاره در این دوره به طور چشم‌گیری ملاحظه می‌شود. شعر بر خلاف شعر آیینی فارسی در دیگر مناطق ایران صرفاً محتوامحور و عاری از تصاویر بلیغ ادبی نیست. در اشعار مرتبط با دفاع مقدس، انتظار، مدح ائمه و مرثیه به وفور می‌توان گرایش به استعاره در قالب طبیعت، نمادهای اساطیری و... را ملاحظه کرد.

- ۱- آیین‌وند، ص. ادبیات انقلاب در شیعه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
- ۲- _____، _____ . ادبیات سیاسی شیعه. تهران: علم، ۱۳۹۱.
- ۳- اخلاقی، ز. تبسم‌های شرقی. تهران: سوره مهر، ۱۳۷۸.
- ۴- امین‌پور، ق. مجموعه کامل اشعار. تهران: مروارید، ۱۳۹۰.
- ۵- احمدی، ش. ضمیمه‌های بی‌غرض مرگ. تهران: کتاب سبز، ۱۳۹۳.
- ۶- باقری، ع. سطری از آفتاب. زاهدان: اداره کل تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸.
- ۷- _____، _____ . نام دیگر دریا. تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۰.
- ۸- _____، _____ . به وسعت دریا. زاهدان: نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۹۴.
- ۹- شجیعی، پ (بی‌تا). سبک‌شناسی شعر خراسانی. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۱۰- عبدالملکیان، م. گزیده اشعار. تهران: مروارید، ۱۳۸۴.
- ۱۱- پرواز، س. دریای خاموش. تهران: پردیس دانش، ۱۳۸۶.
- ۱۲- حسینی، س. هم‌صدا با حلق اسماعیل. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۱.
- ۱۳- ده‌بزرگی، ا. در آیین شقایق. تهران: برگ، ۱۳۶۷.
- ۱۴- شفیعی، ا. آنچه گفتم تمام دلم نیست. شیراز: انتشارات تعقل، ۱۳۸۵.
- ۱۵- شمیسا، س. انواع ادبی. تهران: میترا، ۱۳۸۳.
- ۱۶- فتوحی، م. سبک‌شناسی. نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن، ۱۳۹۱.
- ۱۷- فروغی جهرمی، م. مقوله‌ها و مقاله‌ها. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۹.
- ۱۸- قزوه، ع. از نخلستان تا خیابان. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۰.
- ۱۹- قوبدل جعفری، م. قانون سیب و جاذبه. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۴.
- ۲۰- کافی، غ. ویژگی‌های مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران. به‌کوشش دکتر احمد امیری خراسانی، کرمان: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۷.
- ۲۱- محمودی، س. دریا در غدیر. تهران: حوزه هنری، ۱۳۶۴.
- ۲۲- فصلی از عاشقانه‌ها. تهران: همراه، ۱۳۶۹.
- ۲۳- مردانی، م. یوسف دل. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۲۴- مشفق کاشانی، ع. آذرخش؛ گزیده اشعار. تهران: کیهان، ۱۳۶۵.
- ۲۵- سیرنگ. تهران: فرهنگ گستر، ۱۳۸۲.

۱۴۰ خیزش استعاره در شعر آیینی معاصر سیستان با...

۲۶- مردانی، ن. آتش نی. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰.

۲۷- مهرآبادی، م. جبهه فرهنگ و فرهنگ جبهه. تهران: سروش، ۱۳۸۱.

۲۸- میری، م. به حرمت نگاه تو. تهران: عابد، ۱۳۸۶.